# فصل 8؛ ستر و ساتر

## مساله 2:

(مسألة ٢): الظاهر حرمة النظر إلى ما يحرم النظر إليه في المرآة و الماء الصافي مع عدم التلذّذ، و أمّا معه فلا إشكال في حرمته.

آیا خصوص نظر مستقیم حرام است یا نگاه کردن حتی اگر از طریق آینه یا آب صاف باشد نیز حرام است؟

مرحوم سید فرموده اند ظاهر این است که نظر کردن بدون قصد التذاذ به نامحرم بوسیله آینه و آب صاف حرام است. البته اگر این نگاه همراه با التذاذ باشد شکی در حرمت آن نیست.

در این قسمت کسی از محشين عروه با مرحوم سید مخالفت نکرده است. فقط برخی فرموده اند احوط این است که چنین نظری حرام است.

تنها مخالف درمساله مرحوم نراقی است که در مستند فرموده اند نظر به وسيله آينه و آب صاف جايز است.

### دلیل قول به جواز نظر در آینه و آب صاف

جلسه 50

#### حکم نظر بوسیله آب صاف

مرحوم سید در عروه فرموده است نگاه کردن با آینه و آب صاف حرام است و آب صاف را نیز در کنار آینه بیان نموده اند.

آیا حکمی که در مورد آینه گفته شده در مورد آب نیز صادق است؟

در مقابل قول مرحوم سید دو نظر بیان شده است.

آقای حکیم:

نعم قد يشكل الحكم في الماء الصافي من جهة عدم تمامية حكايته. (حکیم)[[1]](#footnote-1)

در نگاه کردن به آینه قول مرحوم سید تمام است اما در آب صاف محل اشکال است. زیرا حکایتی که آینه از بدن زن دارد، در آب صاف وجود ندارد.

محقق داماد:

لا ريب في أن النظر المحرّم لا تفاوت بين مراتبه القوية و الضعيفة بعد فرض اندراجها تحت مفهوم واحد، فحينئذ لا مجال لتقييد الماء بالصفا زعما بان الكدر منه لا يوجب الابصار التام و الرؤية القوية، (محقق داماد)[[2]](#footnote-2)

ایشان فرموده است نباید آب مقید به صاف بودن میشد بلکه نظر در آب کدر نیز مانند آب صاف است. زیرا عنوان نظر هم به نظر در مرتبه قویه صادق است هم به نظر در مرتبه ضعیفه.

##### بررسی دو قول فوق

به نظر می رسد آنچه مرحوم سید فرموده است صحیح است.

اشکال به قول آقای حکیم:

اینکه گفته شود آب صاف حکایت تام ندارد صحیح نیست. زیرا در نظر به آب صاف عرفا صدق می کند که مرد دارد به بدن زن نگاه می کند ولو ممکن است حکایتش به اندازه آینه شفاف نباشد. همان طور که آینه ها نیز شبیه هم نیستند و درصد وضوحشان به یک اندازه نیست.

اشکال به قول آقای داماد:

ایشان فرمودند قوت و ضعف موجب اختلاف در حکم نمی شود.

اصل کبرای ایشان تمام است. یعنی هر جا عنوان نظر صدق کند حکم حرمت نیز می آید ولو درجه نگاه ضعیف باشد. اما مشکل در آب کدر این است که نمی تواند بدن شخص را به درستی نشان دهد. در واقع یک شبح طوری از شیء را نشان می دهد لذا در آب کدر، صدقِ «نظر» محل منع است.

## مساله 3

(مسألة ٣): لا يشترط في الستر الواجب في نفسه ساتر مخصوص و لا كيفيّة خاصّة بل المناط مجرّد الستر و لو كان باليد و طلي الطين و نحوهما.

در وجوب سترِ مطلق(غیر از حالت نماز)، ساتر خاصی موضوعیت ندارد. در اینجا تمام الملاک این است که بدن مستور بماند ولو مستور شدن با دست باشد یا بوسیله گل مالی کردن . اما در ستر واجب در نماز کیفیت خاصی معتبر است.

مرحوم در مساله 16 از مسائل پوشش در نماز نیز این مساله را بیان نموده است:

الستر الواجب في نفسه من حيث حرمة النظر يحصل بكلّ‌ ما يمنع عن النظر، و لو كان بيده أو يد زوجته أو أمته، كما أنّه يكفي ستر الدبر بالأليتين، و أمّا الستر الصلاتي فلا يكفي فيه ذلك

در این مساله نوع اعلام با مرحوم سید هم نظر هستند. فقط مرحوم کاشف الغطا فرموده است:

مشكل، و لو كفى لكفى في الصلاة، و سيأتي في المسألة (١٦) أنّه لا يجزي فيها فما وجه الفرق‌؟ (كاشف الغطاء). (یزدی)[[3]](#footnote-3)

 اینکه طلی الطین نیز مجزی باشد محل اشکال است. همان طور که مرحوم سید نیز در نماز مجزی بودن آن را نپذیرفتند. حال آنکه در این مورد فرقی بین نماز و غیر نماز نیست.

بررسی کلام کاشف الغطا:

اصل قاعده ای که مرحوم سید بیان نموده اند صحیح است و اشکالی به آن وارد نیست. یعنی چیزی که در ستر موضوعیت دارد پوشیده شدن محل مورد نظر است و هر چه این امر را محقق کند مجزی است.

آقای داماد فرموده اند آنچه که موضوعیت دارد این است که رویت غیر محقق نشود ولو با ابدای مانع بوسیله خاموش کردن چراغ.

اما آیا صرف ستر البشره ولو بوسیله گل مالی کافی است یا خیر ؟

کسانی که به مجزی بودن ستر البشره فتوا داده اند به روایاتی تمسک کرده اند که در آنها بیان شده است ستر العورتین بوسیله نوره کفایت می کند. مانند روایت عبیدالله الدابقی

وَ عَنْهُمْ‌ عَنْ‌ سَهْلِ‌ بْنِ‌ زِيَادٍ عَنْ‌ مَنْصُورِ بْنِ‌ الْعَبَّاسِ‌ عَنْ‌ حَمْزَةَ‌ بْنِ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ عَنْ‌ رِبْعِيٍّ‌ عَنْ‌ عُبَيْدِ اللَّهِ‌ الدَّابِقِيِّ‌[[4]](#footnote-4) قَالَ‌: دَخَلْتُ‌ حَمَّاماً بِالْمَدِينَةِ‌ فَإِذَا شَيْخٌ‌ كَبِيرٌ وَ هُوَ قَيِّمُ‌ الْحَمَّامِ‌ فَقُلْتُ‌ يَا شَيْخُ‌ لِمَنْ‌ هَذَا الْحَمَّامُ‌ فَقَالَ‌ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ الْحُسَيْنِ‌ عَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ فَقُلْتُ‌ كَانَ‌ يَدْخُلُهُ‌ قَالَ‌ نَعَمْ‌ فَقُلْتُ‌ كَيْفَ‌ كَانَ‌ يَصْنَعُ‌ قَالَ‌ كَانَ‌ يَدْخُلُ‌ فَيَبْدَأُ فَيَطْلِي عَانَتَهُ‌ وَ مَا يَلِيهَا ثُمَّ‌ يَلُفُّ‌ عَلَى طَرَفِ‌ إِحْلِيلِهِ‌ وَ يَدْعُونِي فَأَطْلِي سَائِرَ بَدَنِهِ‌ فَقُلْتُ‌ لَهُ‌ يَوْماً مِنَ‌ الْأَيَّامِ‌ الَّذِي تَكْرَهُ‌ أَنْ‌ أَرَاهُ‌ قَدْ رَأَيْتُهُ‌ فَقَالَ‌ كَلاَّ إِنَّ‌ النُّورَةَ‌ سُتْرَةٌ‌ .

وَ رَوَاهُ‌ اَلصَّدُوقُ‌ بِإِسْنَادِهِ‌[[5]](#footnote-5) عَنْ‌ عُبَيْدِ اللَّهِ‌ الْمُرَافِقِيِّ‌[[6]](#footnote-6): مِثْلَهُ‌.

اشکال سندی:

در سند مرحوم کلينی سهل بن زیاد و عبیدالله الدابقی توثیق ندارند. اما سند مرحوم صدوق از این جهت اشکالی ندارد زیرا ایشان سند خود را در مشیخه به عبیدالله دابقی بیان کرده است. افراد حاضر در این سند از ثقات هستند و خود عبیدالله دابقی نیز دراین سند مروی عنه ابن ابی عمیر است لذا توثیق می شود.

اما اشکال این است که عبیدالله این مطالب را مستقیما از امام علیه السلام نقل نکرده است و گفته که صاحب حمام این مطالب را به من گفته است و معلوم نیست این شخص کیست.

روایت دوم:

مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ يَحْيَى عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ أَحْمَدَ عَنْ‌ عُمَرَ بْنِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ عُمَرَ بْنِ‌ يَزِيدَ عَنْ‌ عَمِّهِ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عُمَرَ عَنْ‌ بَعْضِ‌ مَنْ‌ حَدَّثَهُ‌ أَنَّ‌ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ كَانَ‌ يَقُولُ‌: مَنْ‌ كَانَ‌ يُؤْمِنُ‌ بِاللَّهِ‌ وَ الْيَوْمِ‌ الْآخِرِ فَلاَ يَدْخُلِ‌ اَلْحَمَّامَ‌ إِلاَّ بِمِئْزَرٍ قَالَ‌ فَدَخَلَ‌ ذَاتَ‌ يَوْمٍ‌ اَلْحَمَّامَ‌ فَتَنَوَّرَ فَلَمَّا أَطْبَقَتِ‌ النُّورَةُ‌ عَلَى بَدَنِهِ‌ أَلْقَى الْمِئْزَرَ فَقَالَ‌ لَهُ‌ مَوْلًى لَهُ‌ بِأَبِي أَنْتَ‌ وَ أُمِّي إِنَّكَ‌ لَتُوصِينَا بِالْمِئْزَرِ وَ لُزُومِهِ‌ وَ قَدْ أَلْقَيْتَهُ‌ عَنْ‌ نَفْسِكَ‌ فَقَالَ‌ أَ مَا عَلِمْتَ‌ أَنَّ‌ النُّورَةَ‌ قَدْ أَطْبَقَتِ‌ الْعَوْرَةَ‌.

امام علیه السلام در این روایت فرموده است نوره عورت را می پوشاند.

اشکال سندی:

این روایت نیز اشکال سندی دارد چون مرسله است علاوه بر اينکه بعضی از روات سند توثيق ندارند .

استاد:

عنوان ستر یعنی مخفی بودن موضع ستر از دید ناظر محترم و این عنوان در جایی که شخص بدن خود را نوره زده یا گل مالی کرده صادق است. اما سوال این است که آیا این حد از ستر کافی است یا خیر؟ مثلا با گل مالی کردن یا پوشیدن لباس خیلی تنگ که خصوصیات و برامدگی های بدن را نشان می دهد.

هر چند عنوان ستر در این موارد نسبت به پوشاندن پوست صادق است. اما نسبت به زن تمام الموضوع در پوشاندن بدن زن، ستر بشره نیست بلکه باید به نحوی باشد که خصوصیات بدن که جزو محاسن است یا به صورت طبیعی موجب تهییج ناظر است پوشیده بماند. زیرا در آیه شریفه فرموده است زن نباید زینت خود را آشکار کند و این شامل بشره و زینت می شود. یعنی زینت نیز باید مستور بماند. اما لباس چسبان یا گل مالی نمی تواند سبب پوشیده شدن زینت شود و مجزی از امتثال این تکلیف نیست.

البته اگر امر دائر بشود بین اینکه شخص محل اصلی را ابدا کند یا ابدای زینت کند ممکن است گفته شود باید محل اصلی را بپوشاند هر چند زینت او پوشيده نباشد.

اما نسبت به عورتین مرد یا زن نسبت به زن در روایات فرموده اند که عورتین باید پوشیده شود و نباید دیده شود. ممکن است گفته شود در اینجا نیز متفاهم عرفی این است که عورتین باید به نحوی پوشیده شود که نگاه به عورت صدق نکند ولی در جایی که شخص بدن خود را گل مالی کرده است کماکان نگاه به عورت صدق می کند.

هم چنین می توان گفت به مناسبت حکم و موضوع هر چند نگاه به عورت صدق نکند ولی ممکن است گفته شود دلیل حرمت شامل این موراد نیز می شود.

1. حکیم محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. ج 5، دار التفسير، 1374، ص 250. [↑](#footnote-ref-1)
2. محقق داماد محمد. *کتاب الصلاة (محقق داماد)*. ج 2، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، ص 91. [↑](#footnote-ref-2)
3. یزدی محمد کاظم بن عبد العظیم. *العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)*. ج 2، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1421، ص 318. [↑](#footnote-ref-3)
4. في نسخة **"المرافقي"** ، (منه قده). [↑](#footnote-ref-4)
5. الفقيه ١-٢٥٠١١٧. [↑](#footnote-ref-5)
6. في نسخة **"الرافقي"** (منه قده). [↑](#footnote-ref-6)